

- نامه محمد ستاری‌فر، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی دولت خاتمی به احمدی‌نژاد
- سناتور آمریکایی: مذاکره با ایران را آغاز کرده‌ایم
- متن عهدنامه مرزی بین ایران و عراق بر اساس توافقنامه الجزایر در سال ۱۹۷۵
- بی نظیر بوتو، قربانی مذهب خشونت
- ترکمنستان بر خلاف توافق قبلی خواستار افزایش قیمت گاز است
- بوتو برای منطقه ما یک وزنه غیر قابل انکار بود
- ما هنوز به دنبال ماجراجو و قهرمان هستیم و نه سیاستمدار
- مساله روح و انتخابات
- حداقل ۲۰ مورد خلاف علمی در گزارش احمدی‌نژاد
- احمدی‌نژاد تغییر کرده است

آخرین مطالب

- دکتر قهرای: نفی انتخابات، یعنی مخالفت با دموکراسی
- ابطحی: خاتمی به نفع موسوی کنار نرفته است
- «رسانه‌های عمومی، گزارش تخلف دولت را بایکوت کردند»
- از تعظیم به پادشاه مسلمان تا رفتن به کلیسا
- بیات: دنبال سخنرانی کردن برای دنیا نیستم
- برنامه موسوی، اقتصاد دولتی یا بازار آزاد سرمایه؟
- «انزوای جریان‌های تندرو، هدف جلب نظر دنیای اسلام»
- «نامزدی عبدالله نوری، چندان قابل دفاع نیست»
- «میرحسین موسوی، یک احمدی‌نژاد اتو کشیده است»
- «موسوی، نخست وزیر محبوب آقای خامنه‌ای نبود»

موضوعات

- اروپا
- ایران دیپلماتیک
- ایران و آمریکا
- ایران و اروپا
- ایران
- جهان
- حقوق بشر
- خاورمیانه
- دین و مذهب
- آمریکا
- اقتصاد
- انتخابات ایران
- برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی
- فقها و آسیای میانه

آرشیو ماهانه

شعله‌سعدی: «نباید از ترس مرگ، خودکشی د

مریم محمدی

mmohammadi@radiozamaneh.com

در میان انبوه اخبار سیاسی، اقتصادی، حقوق بشری درباره‌ی ایران، مساله‌ی انتخابات ریاست جمهوری دوره‌ی دهم، همچنان موضوع بحث و گفت‌وگوی محافل گوناگون سیاسی است.

در میان این بحث‌ها، هرازگاه نامزدی فرد معینی از جانب خود یا هم‌فکرانش طرح می‌شود.

در جدیدترین اخبار، تمایل آقای دکتر قاسم شعله‌سعدی، استاد دانشگاه و حقوق‌دان منتقد حکومت را شنیدیم.

در این مورد با ایشان و همچنین آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی که کاندیدای دوره‌ی قبل ریاست جمهوری بودند و صلاحیت‌شان تانید نشد، گفت‌وگویی ترتیب داده‌ام.

از آقای شعله‌سعدی می‌پرسم: اساسا چگونه به این تصمیم رسیدند؟

روشن است. کشور ما دارد به سمت فاجعه پیش می‌رود. سیاست‌های غلط دولت، هم در سیاست خارجی و دیپلماسی ما را به انزوای کامل کشانده و هم به جهت اقتصادی بخش وسیعی از مردم ما زیر خط فقر و خط مطلق فقر به سر می‌برند.

در چنین وضعی، نمی‌توانیم در مقابل سرنوشت ملت و کشور بی‌تفاوت بنشینیم. لذا علی‌رغم همه‌ی خطراتی که وجود دارد، تصمیم گرفتم در انتخابات شرکت کنم، اگر که مردم حمایت کنند، آن‌وقت در راستای ظرفیت‌های موجود برای تحقق حقوق و آزادی‌های مردم تلاش می‌کنم.

بخشی از این ظرفیت موجود که شما تاکید می‌کنید، امکان گذشتن از سد شورای نگهبان است. برای آن چه فکری کرده‌اید؟

به هر حال باید مبارزه کنیم. نباید از ترس مرگ، خودکشی کنیم. باید با این وضع غیرقانونی مبارزه کنیم و اگر بتوانیم حمایت مردم را به‌دست بیاوریم، آن‌وقت شورای نگهبان و بالاتر از شورای نگهبان مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.

- April 2009 ■
- March 2009 ■
- February 2009 ■
- January 2009 ■
- December 2008 ■
- November 2008 ■
- October 2008 ■
- September 2008 ■
- August 2008 ■
- July 2008 ■
- June 2008 ■
- May 2008 ■
- April 2008 ■
- March 2008 ■
- February 2008 ■
- January 2008 ■
- December 2007 ■
- November 2007 ■
- October 2007 ■
- September 2007 ■
- August 2007 ■
- July 2007 ■
- June 2007 ■
- May 2007 ■
- April 2007 ■
- March 2007 ■
- February 2007 ■
- January 2007 ■
- December 2006 ■
- November 2006 ■
- October 2006 ■
- September 2006 ■
- August 2006 ■

به خصوص که ما شرایط قانونی داریم. حتی با نظارت استصوابی هم که بخواهند اعلام کنند، باز هم واجد شرایط هستیم.

یعنی چطور؟

کاندیدای ریاست جمهوری طبق قانون یا باید رجال سیاسی باشد یا مذهبی. رجال مذهبی که همان آخوندها هستند.

اما در رابطه با رجال سیاسی، قانون چند مورد و چند شرط را به عنوان تعیین مصداق رجل سیاسی معین کرده است. مثلاً گفته؛ باید حقوق‌دان یا استاد دانشگاه یا وکیل پایه یک دادگستری، یا از نمایندگان حاذق و لایق مجلس و امثال این‌ها باشد.

خُب در این مورد، من به تنهایی هم‌زمان دارای ۴ مصداق آن هستم. به عنوان استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی مهم‌ترین دانشگاه کشور، یا کسی که دو دوره نماینده‌ی مجلس و دیپلمات بوده و یا این که بیش از بیست و چند سال وکیل پایه یک دادگستری است، همه‌ی شرایط قانونی را دارم.

البته، می‌دانید که این تجربه را در هر انتخاباتی خیلی‌ها دارند که خلاف قانون رد صلاحیت می‌شوند. در این مورد شما چه می‌توانید بکنید؟

اگر موفق شویم حمایت مردم را به نمایش بگذاریم؛ مثلاً اگر ۴۰ یا ۶۰ درصد مردم از من حمایت و طرفداری کنند، در صورتی که صلاحیت من رد شود این درصد از مردم انتخابات را تحریم خواهند کرد.

به این صورت، این بازی برای محافظه‌کاران هزینه‌دار خواهد شد. یا باید تحمل کنند ۴۰ یا ۶۰ درصد از مردم انتخابات را تحریم کنند و دیگر نمی‌توانند به دنیا پُر بدهند که سیستم ما دمکراتیک است. و یا این که صلاحیت افرادی مثل ما را تأیید می‌کنند. که اگر چنین وضعیتی پیش بیاید، مسلماً افرادی مثل احمدی‌نژاد رأی نخواهند آورد.

ولی در انتخابات‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که حدود ۵۰ درصد همیشه شرکت نکرده‌اند و برای نظام هم اهمیتی نداشته است.

بله، اما در انتخابات گذشته شورای نگهبان فقط صلاحیت ۶ نفر را تأیید کرده که ۴ نفر از این ۶ نفر پاسدار بودند و ۲ نفر دیگر، آقای کربوبی و رفسنجانی بوده است.

این‌ها همه مهره‌های سوخته بودند. مردم ما مستوجب این نیستند که ۳۰ سال رفسنجانی را تحمل کنند. اگر به جای رفسنجانی چهره‌ای مثل من یا عبدالله نوری بود، آیا باز هم می‌شد انتخابات را به نحوی رقم بزنند که احمدی‌نژاد از صندوق بیرون بیاید؟

به نظر من آقای رفسنجانی یا کروی بی بیشتر از شما قدرت یا ابزار قدرت در اختیار داشتند که جلوی تقلب را بگیرند ولی نتوانستند. شما چطور می‌خواهید این کار را بکنید؟

پایگاه مردمی که من دارم، قابل قیاس با رفسنجانی نیست. همان‌طور که در انتخابات آقای ناطق نوری و آقای خاتمی نتوانستند تقلب کنند. زیرا حمایت مردمی آن‌چنان وسیع بود که دیگر مجالی برای تقلب باقی نمی‌ماند.

لذا، پیشنهاد این است (برای نمایندگان ادوار مجلس هم توضیح دادم) که روی یک نفر اجماع شود که ۲ شرط داشته باشد؛ یکی محبوبیت عامه تا بتواند رأی سنگین بیاورد. دوم این که اگر آن فرد رییس جمهور شد، مثل خاتمی تدارک‌کافی نشود.

از من پرسیدند، مصداق چنین فردی کیست؟ گفتم که خودم، نمی‌خواهد راه دوری بروید. نشان داده‌ام که این پتانسیل را دارم.

بله، ولی دلایل شما مانع نمی‌شود که آن‌ها شما را حذف نکنند. برای مقابله با این خطر چه خواهید کرد؟ یا شاید فکر می‌کنید در صورت حذف شدن هم نوعی از مبارزه را پیش می‌برید؟

معلوم است که چنین فردی را همان‌طور که شما هم پیش‌بینی می‌کنید، شورای نگهبان تایید نمی‌کند. ولی می‌شود هزینه‌داری کرد و این هزینه، هزینه‌ای خواهد بود که ممکن است شورای نگهبان را مجبور به تایید صلاحیت کند.

این‌جاست که مردم باید تصمیم بگیرند و تصمیم‌شان را ابراز کنند. نه فقط در خانه‌هاشان، به طور خصوصی که نشسته‌اند، بگویند دکتر شعله‌سعدی خوب است.

نه، این نظرشان را باید به نحو مطلوبی ابراز کنند تا حکومت بداند چه درصدی از مردم از ما حمایت می‌کنند و در صورتی که بخواهند صلاحیت ما را رد کنند، این مقدار درصد مردم را در انتخابات از دست خواهد داد.

آن وقت حکومت باید بسنجد اگر صلاحیت من را تایید کند، بیشتر به ضررش است یا این که مثلاً ۶۰ درصد رأی مردم را از دست بدهد.

یعنی شما پیش‌بینی می‌کنید که ۶۰ درصد از رأی مردم را داشته باشید؟

الان طبق نظرسنجی که شده، حدود ۴۸ درصد مردم انتخابات را تحریم خواهند کرد، به خاطر این که از عمل‌کرد خاتمی ناامید شده‌اند. ۳۰ درصد هم تردید دارند. تردیدشان هم به خاطر عمل‌کرد ضعیف خاتمی است که نتیجه‌ی آن عمل‌کرد این شده که آقای احمدی‌نژاد به قدرت

برسد.

بنابر این اگر افرادی مثل من به صحنه بیایند، آن ۴۸-۵۰ درصد قطعا رأی خواهند داد و از آن ۵۰ درصد دیگر هم حداقل ۱۰ درصدش را داریم. طبیعی است که رأی ما می‌شود ۶۰ درصد و بالای ۶۰ درصد.

اگر نظر شما را در مورد کاندیداهای دیگر بخواهم بدانم، در مورد آقای احمدی‌نژاد و خاتمی نظرتان را گفته‌اید، در مورد آقای نوری چطور فکر می‌کنید؟

به هر حال آقای نوری را نسبت به آقای خاتمی قطعا ترجیح می‌دهم. بالاخره آقای نوری کسی است که هزینه پرداخت کرده است. من و عبدالله نوری حاضر شدیم برای دفاع از حقوق مردم هزینه بدیم. مثل خاتمی حاضر نشدیم ماماشات کنیم.

نظرتان در مورد پروژه‌ی معرفی کاندیدای مستقل از جانب اپوزیسیون خارج از کشور که به عنوان یک احتمال همیشه در مقطع انتخابات طرح می‌شود، چیست؟

این یک تجربه‌ی شکست‌خورده است. اگر یادتان باشد، در دوره‌ی قبل آقای امیراحمدی کاندیدا بود. این کاندیداتوری در همان اوایل در نطفه خفه شد. نمی‌شود کسی بلند شود و از خارج به این‌جا بیاید.

آقای هوشنگ امیراحمدی در انتخابات دوره‌ی نهم ریاست جمهوری کاندید شدند و همین‌طور که آقای شعله‌سعدی گفتند، صلاحیت‌شان تایید نشد. به ایشان مراجعه می‌کنم، ببینم در این دوره‌ی انتخابات چه می‌خواهند بکنند و کلاً نظرشان در مورد انتخابات دوره‌ی اخیر چیست؟

هوشنگ امیراحمدی، رییس انجمن دوستی ایران و آمریکا

انتخابات ریاست جمهوری ایران در دوره‌ی بعدی حتما انتخابات گرمی خواهد بود. در میان نیروهایی که وارد میدان شده‌اند، از راست راست تا چپ چپ هست.

با توجه به جوی که در ایران دیدم، اعتقاد دارم برای نیروهایی که خیلی زیاد با این وضعیت مخالفت دارند، میدان این مبارزه بسیار مشکل خواهد بود و احتمالا رد صلاحیت‌ها وسیع خواهد بود.

به این ترتیب، شما فکر می‌کنید آن نیروهای خیلی مخالف نظام یا به قول شما «چپ‌تر»، صلاح است در انتخابات اساسا شرکت نکنند یا رهنمود دیگری دارید؟

فکر می‌کنم حق شهروندی هر ایرانی است، در چهارچوب موازینی که در کشور وجود دارد، خودش را کاندید کند. این حق را باید برای هر ایرانی محترم بشماریم و آن را قبول کنیم.

اما واقعیت جامعه‌ی ایران طوری است که خیلی از این‌ها احتمالاً مشکل خواهند داشت که از سد شورای نگهبان رد شوند.

اصولاً فکر می‌کنم که حتی اگر این وضعیت هم باشد، در مجموع باید از انتخابات آزاد و منصفانه در ایران حمایت کرد.

در مورد خودتان به چه نتیجه‌ای رسیده‌اید؟ شما در انتخابات دور گذشته کاندیدا شدید و تحت همین شرایط رد صلاحیت شدید. برای این دوره، آیا فکر کرده‌اید که کاندید شوید یا خیر؟

هنوز تصمیمی در این مورد ندارم. ولی فکر می‌کنم به صلاح هیچ‌کس و از جمله خودم نیست که وارد یک میدانی شود که احتمال توفیق گذشتن از سد شورای نگهبان کم است.

شاید کسانی مثل من باید روی این جریان بیشتر فکر و کار کنند، ببینند راه‌های گذار از این سد چیست و مسایل رد صلاحیت شورای نگهبان چیست.

آیا این به خاطر دوستی و نزدیکی شما با آقای احمدی‌نژاد نیست که نمی‌خواهید با ایشان رقابت کنید؟

نه واقعاً. البته مسایل دیگری هست. من درگیری‌های دیگری دارم. در این دوره‌ی مشخص، تمرکز روی رابطه‌ی ایران و امریکا زیاد شده و فعالیت‌هایم از گذشته بیشتر شده و خیلی شدید دارم سعی می‌کنم هر چه قدرت و فکر دارم، سر این جریان بگذارم و این مشکل را اگر بشود، به کمک دیگران به جای مثبتی برسانیم.

فکر می‌کنم، این مساله تأثیر بسیار زیادی در انتخابات آینده‌ی ایران خواهد گذاشت. از این نظر، احساسم این است که نباید خودم را بیش از آن چه که اکنون هست، پخش کنم و می‌خواهم تمرکز را روی این مأموریت خود ساخته‌ای که برای خودم دارم، حفظ کنم.

از طرف دیگر، وضعیت در ایران طوری نیست که من بتوانم از دور با این شرایطی که الان هست، تأثیر بزرگی بگذارم. آمادگی کافی هم برای دوستان به وجود نیاورده‌ام و فرصت این را نداشته‌ام که در این رابطه با دوستان، با نیروهای مختلف مشاوره کنم. ولی معنایش این نیست که این جریان را کنار گذاشته‌ام و به هیچ‌وجه وارد این میدان نمی‌شوم. ولی فعلاً در این مقطع مشخص تصمیمی ندارم وارد میدان شوم.

نظرهای خوانندگان

اساس استراتژی صاحبان اصلی قدرت عبارت است از وادار کردن مردم به انتخاب میان بد و بدتر و یک توافق نانوشته میان دو جناح اصلی رژیم در جلوگیری و سرکوب جریان سوم، یعنی جریان سکولار و دمکرات. همانطور که خامنه‌ای گفته= دو جناح نظام مثل دو بال پرنده هستند.

عملکرد اصلاحطلبان نیز در عمل غیر از این نبوده است. نگاه کنید به شعر و شعارهای امثال معین و مشارکتیها و سکوت م‌مماشاتشان در سه سال گذشته.

-- ahmad • Nov 27, 2008

باسلام خدمت اقای شعله سعدي. که دورادور مشتاسم چون از يك شهر هستيم .ولي تعجب من از استدلال شما است به عنوان يك حقوق دان و استاد دانشگاه .والته مدانم چرا تحليل شماودیگران روشنفکر انمانند شما بامن تفاوت دارد وان نوع نگاهمان به مردم است. بااین مقدمه خدمتتان سوال مي کنم همانطور که فرمودید به گفته شماحدود ۵۰درصد رای ندهند.یعنی این حکومت را قبول ندارند.اگر فرض شما این هست که این عده از مردم فهمیده اینکار را انجام میدهندیعنی کل را قبول ندارند فقط ریس جمهور. حال شما که مي فرمائید این عده به شما رای میدهندبه چه دلیل وچه فرقی بین شما ودیگری بر فرض خاتمی دارد.یعنی شما اگر ریس جمهور شوید به رهبر دستور مي دهید .به شوراي نگهبان دستور میدهید.پس میبینید حق نا من است وشما فکر مي کنید ان ۵۰ درصد نمی فهمند ومسئله آنها این رئیس جمهور یا ان رئیس جمهور است امدرمورد اقای احمدی من فکر مي کنم ۸۰ درصد مردم نمی دانند ایشان کیستند ومتاسفم که بگویم البته این فکر من هست.با احترام ۲۰ درصد بقیه مخالف ایشان هستند بخاطر فعالیت های که در رابطه با امریکا دارند.با تشکر از خانم محمدي که فرصت اظهار نظر ها را فراهم مي کنند.

-- ازاده ، Nov 27, 2008

این اساتید محترم مثل اینکه امت شهیدپرور و یا خودشان را دست انداخته اند. پاسدارهایی که هم زر دارند و هم زور بانضمام آخوندها معطل کنار گود نشسته اند که شماها بیاید و رئیس جمهور شوید. در مصاحبه بعدی برسید بعد از رسیدن به صندلی ریاست جمهوری چه کاری میخواهند بکنند. اعلام تعطیلی اسلام و جمهوری اسلامی تا اطلاع ثانوی.

مصاحبه خیلی با مزه ای بود. لطفا با این اساتید بیشتر مصاحبه کنید و آنرا در بخش فکاهی سایت درج کنید.

-- حسن ، Nov 28, 2008

در شرایط فعلی دیگر ندرکاتچی هایی مثل خاتمی و شیوخ محافظه کاری چون کرویبه نه در حکومت جایی دارند و نه خواهند توانست حماسه بزرگ دوم خرداد!!! را تکرار کنند.پس مردم ایران چشم به راه گزیننه های بهتری چون دکتر شعله سعدي و نوری هستند.هر چند اگر ایشان موفق نشوند باز بهتر از شیخ محافظه کار و سید خندان هستند

-- امید ، 28 Nov 2008

احتمالا آقای شعله سعیدی ۴ نفر خانواده خودش را ۴۰% مردم ایران فرض کرده اند با بی خیال شو توهم

-- علی ، 29 Nov 2008

نظر بدهید

(نظر شما پس از تایید دبیر وبسایت منتشر می‌شود.)

لطفاً به زبان فارسی کامنت بگذارید.

برای نوشتن به زبان فارسی می‌توانید از ادیتور زمانه استفاده کنید.
-کامنتهایی که حاوی اتهام، توهین و یا حمله شخصی باشد هرز محسوب می‌شود و منتشر نخواهد شد.

نام:

آدرس ایمیل: (نشانی ایمیلتان نزد ما مانده، منتشر نمی‌شود)

تغییر زبان

متن نظر:

بفرست

پیش‌نمایش بده